

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۴ جنوری ۲۰۲۵



یونس نگاه

پیام‌های ملاحبت‌اللهی ترمپ

هنگامی که نظام سیاسی در روم باستان کارآئی خود را از دست داده و جامعه دچار فساد شده بود تنها کسانی به مقامات بلند دولتی می‌رسیدند که «قدرت بیشتر داشتند، نه لیاقت بیشتر». این را نیکولو ماکیاولی نویسنده مشهور فلورانس پیش از ۵۰۰ سال پیش از امروز در کتاب «گفتارها» نوشته بود. گوئی برخی تحولات در عصرهای گوناگون تکرار می‌شوند و تمدن‌ها راه نسبتاً مشابهی را در فراز و فرود می‌پیمایند، شاید به این دلیل که برخی غرایز و صفات انسانی بسیار پایدارتر از آن‌اند که با گذشت قرون از بیخ دگرگون شوند. امریکای امروز مثال برجسته از تفوق قدرت و پول بر لیاقت در کسب مقام‌های دولتی است. کشوری که سال‌ها هسته جوشان توانائی‌های علمی و تجربی جهان ما بوده، حالا بیش از هر زمان دیگر جولانگاه افراد قدرت‌مندی گردیده که لیاقت آنان در دولت‌داری و تعهدشان به منافع جمعی ملت و جامعه بشری آشکارا مورد تردید است.

ماکیاولی مثل ما در عصری پر از تحول و آشوب می‌زیست و احساس می‌کرد که جهانش بر لبه پرتگاه است. فلورانس، شهری که او مدت‌ها به شهریار آن نزدیک بود، مثل افغانستان ما مورد تاخت‌وتاز قدرت‌های عصر و همسایگان قرار داشت. حاکمان مذهبی و سیاسی در رقابت برسر قدرت، زمین و پول بیشتر، آن دولت‌شهر و سراسر ایتالیا را در چرخه ویرانگر اسارت، گرسنگی و فروپاشی گرفتار کرده بودند. با این‌حال فلورانس، یکی از گهواره‌های اصلی عصر جدید شده بود، و آنجا اقتشاری به قواعد زندگی و سیاست قرون وسطائی دچار شک شده و گروهی از پیش‌کسوتان به براندازی حاکمیت مذهبی پاپ و اشرافیت فیودالی می‌اندیشیدند. ماکیاولی و هم‌عصرانش برای جست و جوی راه نجات به تحلیل تاریخ گذشته روی آورده بودند، و دوران طلایی روم و یونان باستان را مطالعه می‌کردند تا راز صعود و نزول آن دوره‌های درخشان را دریابند، و الگویی برای نجات بسازند. ماکیاولی تحلیل‌های مشهورش را که تا کنون در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، بر پایه تحقیق در اسناد تاریخی روم باستان انجام داده بود و در آغاز هر فصل کتابش، وقایع

تاریخ روم را مثال آورده است. او در ادامه جمله بالا نوشته است که رومیان هنگامی که جامعه دچار فساد سیاسی شده بود، «تنها کسانی را برای اشغال مقامات دولتی {برمی‌گزیدند} که بهتر از دیگران به‌خوشایند مردمان سخن می‌گفتند.» در امریکا و افغانستان نیز مثل روم قدرت‌مند اما در حال نزول و فلورانس آشفته و گرفتار پاپ و خان، اداره دولت به‌دست قدرت‌مندان نالایق اما بسیار زورمند است که مهارت اصلی‌شان سخن گفتن «به‌خوشایند مردمان» یا بهتر است بگوئیم فریب اذهان، و توسل به عواطف و غرایز آدم‌هاست. ملاحبت الله و حواریونش، و ترمپ و تیم میلیاردرهایش نیز سخن از رأی، اطاعت و حمایت مردم می‌گویند، و از حق نگذریم چال سخن گفتن «به‌خوشایند مردمان» ساده‌اندیش را بلدند. تاریخ می‌گوید، قدرت‌گیری حاکمان نالایق چه در کشور ویرانی چون افغانستان و چه در مملکت قدرت‌مندی چون امریکا عواقب ناگوار دارد، و در عین حال از فروپاشی اجتماعی و فساد درونی جامعه حکایت می‌کند.

شباهت شعارهای ترمپ و ملاحبت الله

ترمپ در مراسم تحلیفش از تریبون قدرت‌مندترین کشور جهان با ادبیاتی سخن گفت که شباهت به لحن ملاحبت الله در سخنرانی بیعت‌گیری در خیمه لویه‌جرگه داشت. ترمپ بعد از تعارف با حاضران، سخنرانی‌اش را با این جمله پیامبرگونه و کوتاه آغاز کرد: «عصر طلایی امریکا از همین حالا آغاز می‌شود.» او مثل رسولان عصر باستان با قاطعیتی از خود و ماموریتش سخن گفت که نظیر آن را در پیام رهبران جهادی می‌توان شنید. ترمپ در ادامه بارها به شیوه کلام مقدس و ادبیات مذهبی آن پیام را تکرار و توصیف کرد. به این جملات شاعرانه و هیجان‌انگیز که پس از اعلام عصر طلایی به‌زبان راند توجه کنید: «پس از امروز، کشور ما دوباره شکوفا خواهد شد و در سراسر جهان احترام خواهد گردید. هر ملتی به ما غبطه خواهد خورد... ترازوی عدالت دوباره به‌تعادل در خواهد آمد... و اولویت اصلی ما ایجاد ملتی سرافراز، مرفه و آزاد خواهد بود.»

«بزودی امریکا بزرگتر، قوی‌تر و استثنائی‌تر از هر زمان دیگر خواهد شد... ما در آغاز هیجان‌انگیز عصر جدید موفقیت ملی قرار گرفته‌ایم، موجی از تغییر کشور را فرا می‌گیرد، نور خورشید در سراسر جهان جاری می‌شود، و امریکا مجال آن را دارد تا از این فرصت چنان بهره بگیرد که هرگز در گذشته اتفاق نیفتاده است.»

حالا به چند جمله از سخنرانی بیعت‌گیری ملاحبت‌الله در اول جولای ۲۰۲۲ توجه کنید: «این فتحی است که خداوند چون انعام بزرگ به افغان‌ها و همه مؤمنان جهان عطا کرده است. این فتح... به همه مسلمانان جهان مبارک باد... راه حاکمیت شریعت هموار گردیده و موانع برداشته شده است. حالا دیگر انتظار لازم نیست و همین حالا باید شریعت برقرار گردد.»

ملاحبت‌الله نیز مثل ترمپ، حاکمیت خود را بی‌مثال در تاریخ کشور و اثرگذار بر کل جهان خوانده بود. او در بخشی از سخنرانی‌اش گفته بود: «آزادی و استقلال عجیبی را خداوند ج آورده است. استقلال و آزادی را که اکنون خداوند تعالی به افغان‌ها عطا کرده، قرن‌ها وجود نداشته است.» او نیز مثل ترمپ گفته بود که ملت‌های دیگر به وضعیتی که در افغانستان حاکم شده غبطه می‌خورند و مسلمانان جهان چشم‌به‌راه هدایات افغان‌ها اند: «حالا مسلمانان دنیا از افغان‌ها هدایت و رهنمائی می‌خواهند. جهان چشم‌به‌راه رهنمائی اخلاقی و علمی ما و شماست.»

ملاحبت‌الله نیز مثل ترمپ با لحن قاطع و پیامبرگونه سخن می‌گفت و می‌کوشید این حس را به اطرافیان‌ش تلقین کند که او توانائی‌های خارق‌العاده دارد و عصر تازه‌ای را در افغانستان و از آن طریق به سراسر جهان اعطا خواهد کرد. او نیز مثل ترمپ در سخنرانی‌اش کوشید خود را کنار مردم، مدافع حقوق آنان و همیشه مشغول رسیدگی به مسایل کودکان، زنان، مردان و مستمندان نشان دهد و با فرامینش محیط زندگی را برای همه باشندگان، حتی آنانی که علیه

طالبان جنگیده و به گفته او ستم‌های بسیار بر مجاهدین روا داشته بودند، هموار کند. اما بعد از آن سخنرانی تا امروز مشغول صدور احکام برای سرکوب و دشمنی با مخالفان عقیدتی، صنفی، طبقاتی و سیاسی خود است. بعد از آن سخنرانی حلقه صلاحیت‌های رقیبان داخلی‌اش را تنگتر کرده و جنگ و رقابت برسر پول، قدرت و امکانات را تا دفتر وزیران طالبش کشانده است. ملامت‌الله در آن سخنرانی، خود را سلطان خوانده بود و امارتش را سلطنت اسلامی: «حالا سلطنت اسلامی است... باید قدر این {سلطنت} را بدانیم.»

این اطمینان و خودبزرگ‌بینی ریشه در کجا دارد و چه چیزی در مورد اجتماع می‌گوید؟

گروهی از انسان‌ها متأسفانه به لیاقت و بزرگی افرادی چون ترمپ و ملامت‌الله باور دارند، به آنان رأی، پول، حمایت و جنگجو می‌دهند و از وعده‌ها و سخنان‌شان به وجد می‌آیند، ولی در عین حال اسناد تاریخی فراوان وجود دارد که این اشخاص دروغ می‌گویند، عوام‌فریب‌اند، و نه تنها رسولان عصر طلایی نیستند، بلکه نمادها و عاملان بحران‌اند. برگشت ترمپ به قدرت همراه با تیمی از آدم‌های بیگانه با مسایل انسان‌های عادی، بیش از حد پول‌دار و قدرت‌مند احساس ترس را میان دانشجویان، محققان و سیاست‌مداران دوراندیش در امریکا و سراسر جهان بیدار کرده است. به لیاقت و توانایی این گروه در استفاده مناسب از صلاحیت‌ها و امکاناتی که در دست دارند، تردید موجه وجود دارد. نالیق‌ها، دروغ‌گویان و خودبزرگ‌بینان در جوامع دچار بحران و آن‌هایی که در حال گذار از کهنه به نو اند، به قدرت می‌رسند. ترمپ‌ها و ملامت‌الله‌ها هنگامی به قدرت می‌آیند که نظام‌ها کهنه شده و نهادها پاسخ‌گوی نیازهای مردم نیستند. مردم احساس می‌کنند که روش‌های مبتنی بر حساب‌گری، تعقل و پاسخ‌گویی چاره‌ساز نیست، و زمان توسل به غرایز، عواطف و احساسات فرا رسیده است؛ اندیشیدن چاره‌ساز نیست و غبار از روی پدیده‌ها و اتفاقات مبهمی که روزگار و محیط ما را فرا گرفته، نمی‌شود. باید پشت کسی ایستاد که سخن‌های متفاوت می‌گوید، در برابر وضعیت جاری ایستاده و به جای حساب و کتاب پیچیده و برنامه‌ریزی، حکم می‌راند و فرمان می‌دهد و پرده می‌درد.

آن حس ویرانی و ناامیدی از کارآئی نهادهای جمهوری اسلامی در قدرت‌گیری ملامت‌الله نقش داشت. تنها ایالات متحده و ناتو برای خروج از بحران افغانستان به طالبان روی نیاوردند، بلکه توده مردم و جمع بزرگی از سیاست‌پیشگان و تحصیل‌دیدگان دست تسلیم بالا کردند و به جای پرداختن به سیاست جمهوری و تلاش برای گشودن گره‌های بسیار از کلاف پیچیده دولت‌سازی، انتخابات، حقوق بشر، آزادی، تعلیم، کار و آبادی به آمدن طالبان چشم دوختند و به تبلیغاتی که از «تغییر» در آن گروه می‌شد، امید بستند.

اما در امریکا طی چند دهه اخیر منابع قدرت جابه‌جا شده، سرمایه از صنایع و خانواده‌ها و اقشاری که بعد از جنگ دوم جهانی صاحب انحصارات شده بودند در حال انتقال به صنایع و خانواده‌ها و اقشار تازه‌ایست که با انقلاب در صنایع اطلاعات، رسانه، حمل‌ونقل و انرژی اتفاق افتاده است. این تحول ظرف تازه اداری و نهادی می‌خواهد، و دولت‌مردان و نهادهای سنتی امریکا را با مشکل بزرگ مواجه کرده است. سرمایه بیش از گذشته متمرکز و در عین حال فرامرزی شده است و تعریف تازه از ملی‌گرایی، جهانی‌شدن، نظام و قرارداد‌های بین‌المللی را می‌طلبد. مردم امریکا این تحول را احساس کرده‌اند و در پی کندسازی روند فروپاشی نظام قرن بیستمی و جهان امریکامحور اند. از آنجائی که توقف این روند با سیاست نورمال، حساب‌و‌کتاب، و کار نظام‌مند آسان و حتی ممکن به نظر نمی‌رسد، میدان به روی دلان شعار و بازیگران احساسات باز شده است. حالا آنانی که سخن دل‌نشین می‌زنند و مسکن می‌فروشند، بیش از کسانی خریدار دارند که به چنودچون بیماری می‌پردازند، تدابیر سخت‌گیرانه و دواهای تلخ تجویز می‌کنند. از قضا آنانی که مرزهای ملی را مانع رشد کار خود می‌دانند و دوست دارند کل زمین و حتی مریخ را تسخیر کنند، لباس ملی‌گرایی امریکا را پوشیده و شعار می‌دهند که در اداره ما «هر روز امریکا اول خواهد بود». مردم آن شعار را به معاش بیشتر،

مراقبت‌های صحی و بیمه جامع و فراگیر، فرصت فراغت و تفریح بیشتر و قرض‌داری و بی‌خانمانی کمتر تعبیر می‌کنند. اما ترمپ و تیم میلیاردرهایش از «امریکا اول» مالیات کمتر برای سرمایه‌داران بزرگ، رفتن به مریخ، استخراج سریع و ارزان انرژی، تسخیر سرزمین‌های مجاور و انباشت بی‌پیشینه و برهنه‌تر از همیشه سرمایه و قدرت سیاسی در دست گروه کوچکی از ابرالیگارش‌ها را می‌خواهند.

ایلان ماسک در روز تحلیف ترمپ چند دقیقه پشت تریبون آمد و با حرکات، هیجان و جملات کوتاهش پیام‌های مهمی داد. او پاکوبان و درحالی که دستانش را چون دو شاخ بلند و محکم رو به آسمان تکان می‌داد، به سمت میز خطابه رفت، چرخید و چند گام با دوپای جفت و دست‌های مشت‌کرده جست‌وخیز زده به میکروفون نزدیک شده جیغ کشید و هیجان نشان داد. او گفت که این پیروزی عادی نبود، «گشایش راه تازه‌ای در مسیر تمدن بشری بود.» او گفت که پس از این به مسایل ابتدائی چون مصونیت شهرها، امنیت مرزها و مصرف معقول رسیدگی خواهد شد، و افزود: «ما این چیزها را به مریخ خواهیم برد!» نگاه ماسک به مسایل انسان‌ها و امریکائی‌ها در آن چند جمله بسیار واضح انعکاس یافت و با آنچه رأی‌دهندگان امریکائی و اکثریت مردم از حکومت انتظار دارند فاصله بسیار پر معنا داشت. توصیف مسایل زمینی و روزمره‌ای که نگرانی واقعی مردم را می‌سازند با صفت «ابتدائی» و تأکید بر اهمیت رفتن به مریخ و داشتن آرزوهای بزرگ در جملات بعدی او واضح‌تر گردید. او گفت که لازم است تا به مسایل زیادی رسیدگی شود، «ولی باید چیزهایی در زندگی داشته باشیم که به شما انگیزه می‌دهد {مثل رفتن به مریخ} و خوشحال‌تان می‌کند {مثل تریلیونر شدن}».

براستی رفتن به بهشتی که ملاهبت‌الله وعده می‌دهد و مریخی که ایلان ماسک به رأی‌دهندگان امریکا فروخته است چقدر برای آدم‌های گرسنه، نگران تربیت فرزندان، امنیت شغلی، هراسان از قرض‌های بانکی و معاش ناکافی اهمیت دارد؟ ملاهبت الله مدعی‌ست که همه جهان اسلام چشم‌پراه هدایات علمای افغان به رهبری اوست، و قصد دارد با ساختن مدرسه و مسجد کشور را به مرکز ترویج جهادگرایی بدل کند و بهشت را برای همه ساکنان افغانستان و مؤمنان جهان تضمین نماید. ترمپ می‌گوید عصر طلایی امریکا و جهان با تحلیف او آغاز شده است، و او با بستن مرزها به‌روی مهاجران، تسخیر کانال پانامه، تشویق کانادا به پیوستن به ایالات متحده و خرید گرینلند امریکا را بزرگ می‌سازد! ایلان ماسک می‌گوید رؤیاهای امریکائی را به مریخ می‌برد و این‌گونه «تمدن بشری را» نجات می‌دهد.

در عمل اما ملاهبت الله در مؤمن ساختن اطرافیان در مانده، خود و هم‌تایانش به‌جای آمادگی برای بهره‌بردن از نعمات بهشتی، مشغول عیاشی، زراندوزی و غارت منابع طبیعی اند؛ از کشورهای منطقه و جهان پول می‌گیرند و برسر تقسیم دارائی‌ها علیه همدیگر دسیسه می‌چینند و در پی حذف هم‌اند. دنیای اسلام در این سه سال نه تنها چشم‌پراه هدایات امیر طالبان نبوده بلکه بارها از گوشه و کنار جهان به او توصیه شده که دست از ادیت مردم، به‌خصوص زنان افغانستان بردارد و دین را ابزار سرکوب و سیاست نکند. بارها سیاست‌مداران و ملاحی غیرطالب اعلامیه صادر کرده‌اند که بستن مکتب به‌روی دختران کار شرعی و زمینه‌ساز پاکیزگی ایمان نیست. حالا ملاهبت الله که خود را سلطان افغانستان و امیر مؤمنان تصور می‌کند، حتی در جوامع محافظه‌کار اسلامی به فرد منفور و نماد تحجر بدل شده است.

ترمپ و همراهانش نیز ضمن تکرار شعارهای رسولانه و تأکید بر آغاز عصر جدید، مشغول چانه‌زنی برسر تصاحب منابع و سرمایه‌های بیشترند، و در چهار سال پیش رو بارها سرشان به سنگ واقعیت‌های سخت زمینی خواهد خورد. جیدی ونس، معاون ترمپ در روز تحلیف، پس از مشایعت جو بایدن و همراهان او به سالون برگشت و خطاب به جمعیت گفت که مدت پنج دقیقه‌ای که برای خداحافظی بایدن و همراهانش ایستاده بودیم، متوجه شدم که بیرون چقدر سرد است و خدا را شکر که مجلس را این‌جا برگزار کرده‌ایم. تیم ترمپ به دلیل سرمای شدید، مجبور شده بودند که

تحلیف را در فضای بسته و با حضور جمع بسیار کوچکتر برگزار کنند، و هزاران مهمان و هوادار آنان از اشتراک محروم شده بودند. دنیای بیرون و واقعیت‌های عینی را نمی‌توان با شعار و دعا بدل کرد، و در خیلی از موارد مثل برگزاری محفل تحلیف ترمپ بدیل آسانی چون پناه بردن به سالون وجود ندارد. یادآوری: این نوشته در زنتایمز نیز نشر شده است.